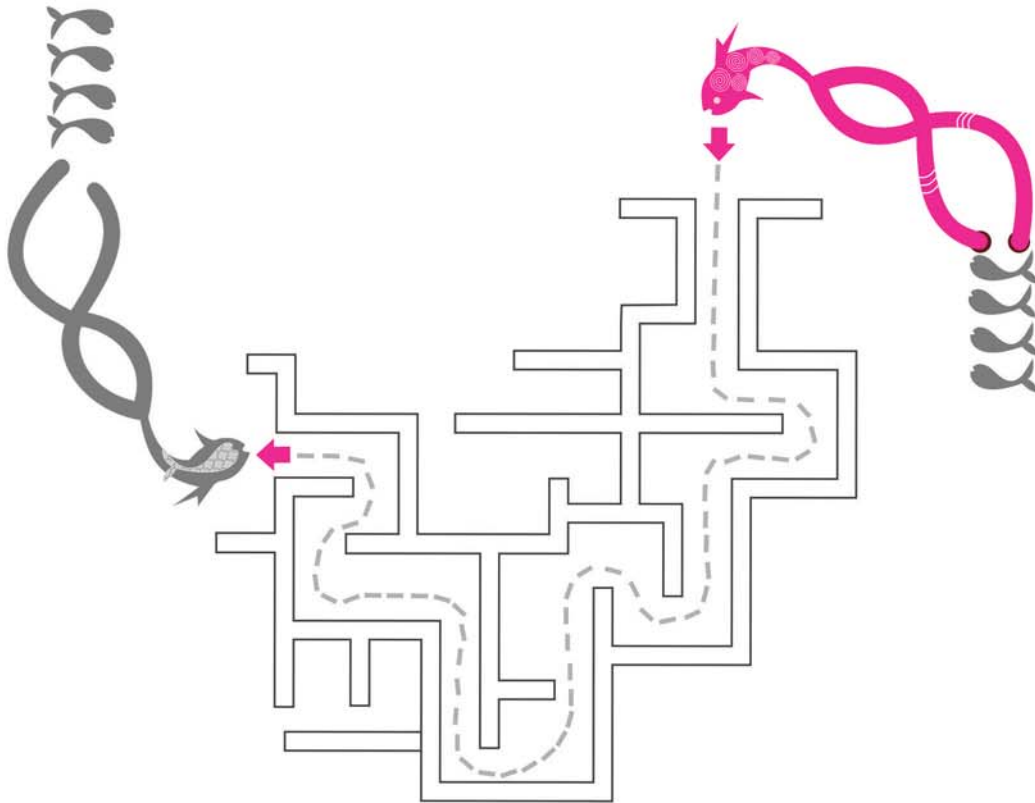


بهترین رویه‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک



ترجمه: احمد حاتمی

M. Ramos

هدف از استانداردهای حسابرسی ارزیابی ریسک، بهبود کیفیت و اثربخشی حسابرسی از طریق تغییر اساسی در رویه حسابرسی بود. **بیانیه‌های استانداردهای حسابرسی شماره ۱۰۴-۱۱۱ (SAS104-111)** استحکام بیشتری برای فرایند حسابرسی در چند حوزه اصلی شامل ارزیابی ریسکهای ذاتی و کنترل و برقراری پیوند بین ارزیابی ریسک و روشهای بعدی حسابرسی، فراهم می‌کنند.

در حرفه، پیشرفت زیادی به سمت هدف نهایی رسیدن به فرایند حسابرسی اتکاپذیرتر انجام شده است. اما، همچنان که در مورد کاربرد استانداردها در عمل چیزهای بیشتری یاد می‌گیریم، حتی بیش از آن هم ممکن است. این مقاله، برخی از مهمترین درسهای آموخته‌شده و بهترین رویه‌های پدیدار شده در دوره استقرار استانداردهای ارزیابی ریسک را مطرح می‌سازد.

صاحبکارشان وجود نداشت و در نتیجه، اغلب حسابرسان تنها درک خود از نحوه عملکرد کنترل را مستند می‌ساختند؛ بدون این‌که درباره درستی طراحی کنترل قضاوت کنند. الزام مطرح‌شده در استانداردهای ارزیابی ریسک برای ارزیابی طراحی کنترلها، برای برخی از حسابرسان دشوار بوده است. مؤسسه‌هایی که فرایند کوزو را در روش شناسی حسابرسی خود به‌دقت اعمال کرده‌اند، توانسته‌اند ارزیابی معنی‌داری از طراحی کنترل داخلی انجام دهند که در نهایت کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد.

در **نمایه ۱** نشان داده شده که فرایند کوزو حسابرس را ملزم می‌سازد هدفهای کنترلی مربوط را تعریف کرده و سپس فعالیتهای کنترلی یا ترکیبی از فعالیتهای کنترلی را که مطابق با هدفهاست، تعیین کند. سیستم کنترلی، اگر با هدفهای کنترلی تبیین‌شده مطابقت داشته باشد، به‌طور اثربخش طراحی شده است. سیستمی که هدفهای کنترلی مهم را برآورده نسازد، اثربخش نیست. شناسایی نقاط ضعف کنترلی به حسابرس اجازه می‌دهد تا ریسکها را بهتر ارزیابی کند و با طراحی ترکیب مناسبی از روشهای حسابرسی بیشتر، واکنش نشان دهد.

تعیین ماهیت و میزان آزمونها پس از استقرار اولیه

اغلب حسابرسان دریافتند که استانداردهای ارزیابی ریسک، آنان را ملزم می‌سازد روشهای حسابرسی بیشتری نسبت به گذشته انجام دهند و آماده بودند تا به‌طور درخور توجهی متحمل هزینه‌های بالاتری در اولین سال استقرار آنها شوند. انتظار این بود که در سالهای بعد، هزینه‌ها کاهش خواهد یافت؛ زیرا حسابرسان به دانش به‌دست‌آمده از صاحبکار در حسابرسیهای قبلی اتکا می‌کنند. در عمل، تحقق این صرفه‌جویی دشوار بوده است؛ زیرا حسابرسان برای تعیین ماهیت و دامنه روشهایی که باید به‌طور مداوم انجام دهند، بسیار تلاش کرده‌اند.

پیشنهاد کاربردی: شناسایی و ارزیابی تغییرات

برای سالها، حسابرسان با این ذهنیت مبارزه کرده‌اند که به‌طور ضمنی فرض می‌کنیم که همه چیز در حسابرسی «مثل پارسال» است؛ فرضی که همواره به کاهش کیفیت حسابرسی

خطر تحریف بااهمیت یا به‌عبارتی آن چیزی که ممکن است کار را خراب کند، چهره دیگری از ادعای مدیریت است. برای مثال، در ارتباط با ادعای کامل بودن، چیزی که ممکن است کار را خراب کند، این است که یک یا چند معامله معتبر در سیستم ثبت نشده باشد. شناسایی آنچه که ممکن است کار را خراب کند، به حسابرس امکان می‌دهد هدفهای کنترل را درک کند؛ برای مثال، «اطمینان حاصل شود که تمام معامله‌های معتبر ثبت شده‌اند».

سپس حسابرس به شناسایی کنترلهایی می‌پردازد که به هدف کنترل تعیین‌شده، مطابقت دارد. در این مسیر، ارتباطی ناگسستگی میان صورتهای مالی و کنترل داخلی وجود دارد و حسابرس به‌سادگی می‌تواند تأثیری را که یک فعالیت کنترلی خاص ممکن است بر مبلغ گزارش‌شده در صورتهای مالی داشته باشد، درک کند.

پیشنهاد کاربردی: استفاده از رویکرد بالا به پایین برای تعیین دامنه فعالیت حسابرس در ارزیابی کنترل داخلی

ثابت شده که روش شناساییهای حسابرسی تدوین‌شده در ارتباط با فرایند بالا به پایین کوزو، بسیار کارآمد هستند؛ زیرا به حسابرس امکان می‌دهند دامنه فعالیت آزمون کنترل داخلی را به‌طور صحیح تعیین کند و تنها کنترلهایی را دربرگیرد که مربوط به حسابرسی هستند.

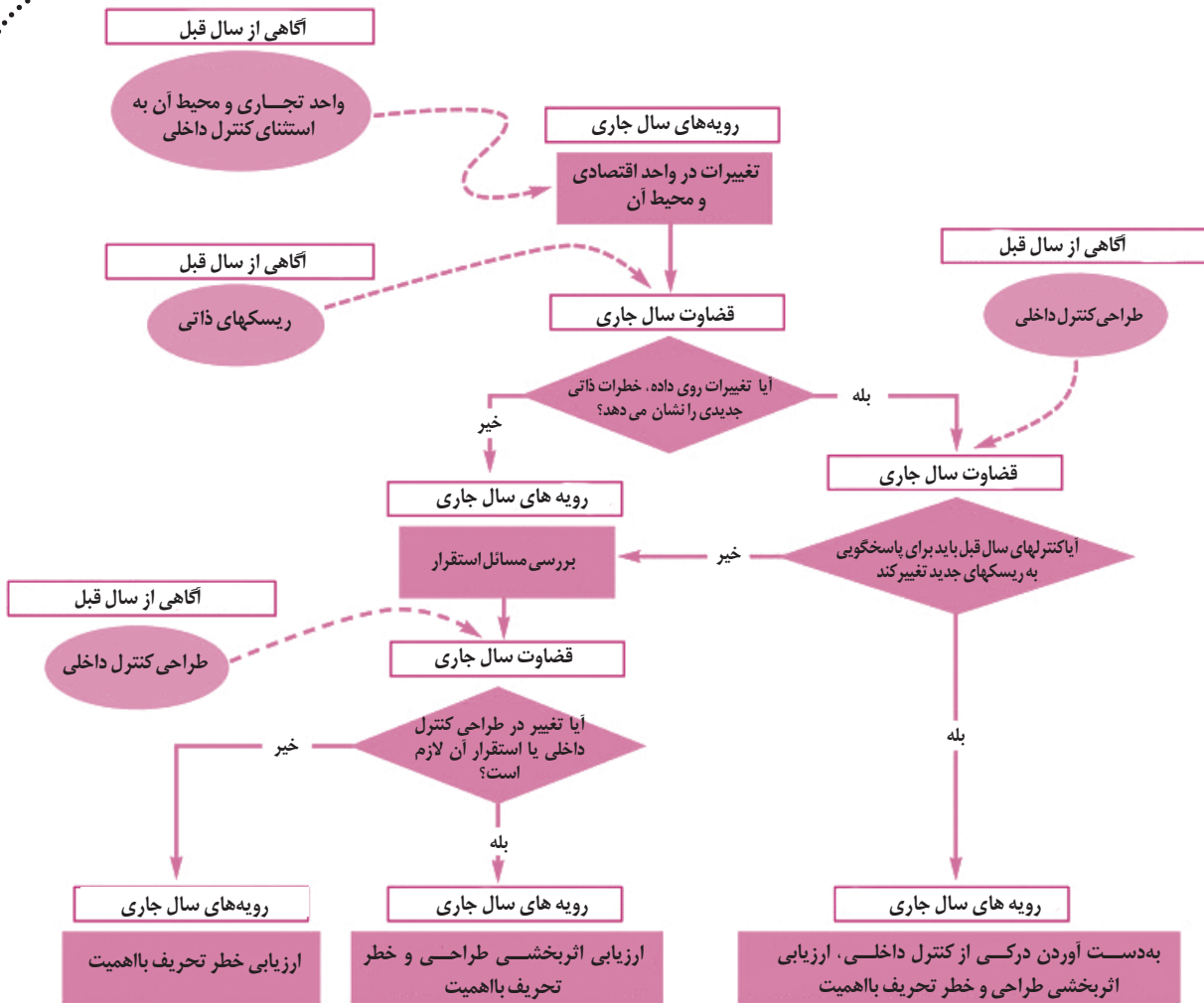
رویکرد بالا به پایین، به جای درک تمام کنترلهای استفاده‌شده به‌وسیله صاحبکار، حسابرس را به سمتی هدایت می‌کند که گام‌به‌گام کنترلهای مربوط به حسابها و معامله‌های بی‌اهمیت، کنترلهای مربوط به ادعاهای نامرتب و کنترلهای بیش از حد زائد را به حساب نیاورد.

نتیجه کار عبارت است از جامعه‌ای از کنترلهای کاملاً مورد توجه که حسابرس بتواند آنها را بفهمد، ارزیابی و مستند نماید و این امکان را فراهم می‌کند که تا آنجا که ممکن است حسابرسی با کارایی انجام شود.

پیشنهاد کاربردی: تمرکز بر هدفهای کنترل داخلی برای ارزیابی طراحی کنترل

پیش از استانداردهای ارزیابی ریسک، هیچ الزام صریحی برای حسابرسان در ارزیابی طراحی کنترل داخلی

نمایه ۲- شناسایی و ارزیابی تغییرها



تنها پس از آن که حسابرس به پرسش‌های یادشده پاسخ کافی داد، ممکن است بتواند ماهیت و میزان روش‌های ارزیابی ریسک اضافی را تعیین کند.

نمایه ۲ توصیف فرایند ساختاریافته برای به‌کارگیری این رویکرد است.

درک و ارزیابی تغییر

در **نمایه ۲**:

- لوزیها، قضاوت‌های حسابرسی اصلی که باید در سال جاری گرفته شوند را توصیف می‌کند.
- مستطیلهها، خلاصه‌ای از روش‌های ارزیابی ریسک را نشان می‌دهد که باید در سال جاری انجام شود.
- بیضیها، اطلاعاتی را که از حسابرسیهای سال قبل منتقل شده است و چگونگی تأثیر آنها بر قضاوت حسابرسی سال

منجر می‌شود. استانداردهای ارزیابی ریسک، فرصتی را به مؤسسه‌های حسابرسی می‌دهد که با تغییر قالب مسئله، طرز تفکر «مثل پارسال» را حذف کنند. به جای توجه به چگونگی «به‌روزرسانی» حسابرسی سال گذشته، با این فرض باید شروع کرد که چیزی تغییر کرده است و اولین اولویت حسابرسی سال جاری، شناسایی این تغییرها و تعیین تأثیر آنها بر ریسک از طریق پرسیدن پرسش‌هایی مانند این پرسشها است:

- پس از آخرین حسابرسی، در واحد اقتصادی و در محیط عملیاتی آن چه چیزی تغییر کرده است؟
- از آخرین حسابرسی، در نتیجه تغییرهای یادشده، خطرهای ذاتی صاحبکار چگونه تغییر کرده است؟
- آیا برای پرداختن به تغییرهای ریسک ذاتی، تغییرهای کنترل داخلی ضروری بود؟

جاری را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

درخت تصمیم زیر را از بالا به پایین بخوانید:

• در شروع کار، ماهیت تغییرهای واحد اقتصادی و محیط آن از دوره حسابرسی قبل را در نظر بگیرید. این پرسش مهم است که بپرسید آیا این تغییرها منجر به تغییرهای ریسک ذاتی شده است؟ برای مثال، بحران اقتصادی جاری ممکن است ریسک ذاتی برای صاحبکار شما ایجاد کند که تا قبل از رکود اقتصادی وجود نداشته است.

• اگر ریسک ذاتی بدون تغییر باشد (با این فرض که کنترل‌های سال‌های قبل به‌طور مؤثر طراحی و مستقر شده باشند)، حسابرس لازم است استقرار کنترل‌ها را رسیدگی و تعیین کند که چه تغییری در طراحی و یا استقرار آنها وجود داشته است. اگر تغییرها در واحد اقتصادی و محیط آن ریسک‌های ذاتی جدید یا تعدیل‌شده‌ای را ایجاد می‌کند، در آن صورت حسابرس لازم است تعیین کند که آیا تغییر در کنترل داخلی برای پاسخگویی به ریسکها ضروری بوده است یا خیر. برای مثال، بحران اقتصادی ممکن است ریسک‌هایی را در ارتباط با ارزیابی دارایی که در گذشته بااهمیت نبوده است، ایجاد کند. در سال‌های قبل، صاحبکار کارهای بسیار کمی برای ارزیابی کاهش ارزش داراییها انجام داده بود، اما در محیط کنونی حسابرس باید تعیین کند که آیا صاحبکار روش‌های کنترلی‌اش را در پاسخ به سطح ریسک گسترش یافته، تغییر داده است یا خیر. در قسمت پایینی نمودار، سه سناریوی احتمالی توصیف شده است:

• اگر کنترل‌های مستقرشده در سال پیش در پاسخگویی به ریسک‌های سال جاری مؤثر بوده

و حسابرس تعیین کرده است که کنترل‌ها تغییری نداشته‌اند، در آن صورت حسابرس آماده است خطر تحریف بااهمیت را ارزیابی کند. • اگر کنترل‌های سال قبل در پاسخگویی به ریسک‌های سال جاری مؤثر بوده، اما حسابرس دریافته که طراحی یا استقرار کنترل‌ها تغییر کرده است، در آن صورت حسابرس لازم است طراحی کنترل‌های جدید را پیش از ارزیابی خطر تحریف بااهمیت، ارزیابی کند.

• برآیند مورد نیاز، برای تمام ریسک‌های ذاتی جدید یا ریسک‌هایی که به‌طور درخور توجهی تغییر کرده‌اند و ممکن نیست به‌طور مؤثر به‌وسیله کنترل‌های سال قبل پوشش داده شوند، مشابه آن چیزی است که در استقرار اولیه انجام شده است. حسابرس باید برای درک طراحی و استقرار کنترل‌ها به‌عنوان مبنایی برای ارزیابی ریسک تحریف بااهمیت، به انجام روش‌های ارزیابی ریسک بپردازد.

پیاده‌سازی مستمر

به‌دلیل وسیع بودن دامنه استانداردهای ارزیابی ریسک، بهینه‌سازی استقرار استانداردها، حتی برای توانمندترین مؤسسه‌های حسابرسی، دشوار است. بیشتر مؤسسه‌ها برای برخورد با مباحث ناشی از به‌کارگیری استانداردها، هنوز در پی اصلاح رویکردهای حسابرسی و تنظیم سیاست مؤسسه‌اند.

مسائل مستمر پیاده‌سازی برای حسابرسی کسب‌وکارهای کوچک، حتی به توجه بیشتری نیازمند است. حسابرسی کسب‌وکارهای کوچک و با پیچیدگی کمتر، چالش‌های بسیاری دارند که ممکن است در حسابرسی‌های صاحبکاران بزرگ در اصل وجود نداشته باشد؛ به‌طور مثال، حسابرسان کسب‌وکارهای

در حرفه

پیشرفت زیادی

به سمت

هدف نهایی

رسیدن به فرایند

حسابرسی اتکاپذیر

انجام شده است

اما همچنان که در مورد

کاربرد

استانداردها در عمل

چیزهای بیشتری

یاد می‌گیریم

حتی

بیش از آن هم

ممکن است

به دلیل

وسیع بود

دامنه استانداردها

ارزیابی ریسک

بهینه سازی

استقرار استانداردها

حتی برای

توانمندترین

مؤسسه های حسابرسی

دشوار است

برای عرصه های کاملاً قضاوتی، مانند مستندهای کنترل های داخلی، اقدام به تهیه مجموعه دستور عمل های حسابرسی متناسب شده و خاص مؤسسه می کنند که زمانی تصور می شد خاص مؤسسه های بزرگ است. مؤسسه ها به مجموعه ای کاربرگ نیاز دارند که بتوانند بر اساس آن و با متناسب سازی آن، دستور عمل بسازند. برای مثال، حسابرسی که با تعداد زیادی سازمان های غیرانتفاعی کار می کنند، قالبی را می خواهند که به آنان اجازه دهد مجموعه الگوهای بسازند که ویژه صاحبکارانشان باشد.

بسیاری از مؤسسه ها، کمیته ای پنج تا شش نفری از حسابرسان باتجربه را به منظور ارزیابی الزام های استانداردها و توسعه مجموعه ای دستور عمل خاص مؤسسه تشکیل داده اند. مؤسسه ها این کار را در زمان کم کاری تابستان یا پاییز انجام می دهند و آنها را با صاحبکارانی از صنایع مختلف آزمایش می کنند تا مشکلات را پیدا و حل کنند و سپس در قالب آموزش حرفه ای مستمر، همه کارکنان را با نحوه استقرار استاندارد آموزش می دهند.

پیشنهاد کاربردی: مشارکت شریک حسابرسی در مراحل مقدماتی حسابرسی
کسب و کارهای کوچک و با پیچیدگی کمتر خواسته های یگانه از حسابرسی کسب و کارهای کوچک و با پیچیدگی کمتر، به طور معمول مشارکت در خور توجه باتجربه ترین حسابرسان در طول فرایند برنامه ریزی حسابرسی را ضروری می سازد. حسابرسان باتجربه تر خواهند توانست قضاوت های بااهمیتی در مورد راهبرد حسابرسی انجام بدهند که شامل این موارد است:

• ماهیت، زمان بندی و میزان روش های ارزیابی ریسک طراحی شده برای جمع آوری اطلاعات

کوچک و با پیچیدگی کمتر، اغلب با مسائل زیر روبه رو می شوند:

- سوابق حسابداری که نیازمند موارد اصلاحی در خور توجهی قبل از شروع روش های مهم حسابرسی است،
- معامله های در خور توجه با اشخاص وابسته حسابرسی نشده،
- کنترل های داخلی با پیچیدگی کمتر یا رسمی با حداقل مستندها، نبود تفکیک وظایف و فقدان کلی تخصص حسابداری در سازمان، و
- نیاز به تطبیق رویه حسابرسی استاندارد شده و تهیه شده برای حسابرسی واحدهای اقتصادی بزرگتر برای شرایطی که در حسابرسی کسب و کار با پیچیدگی کمتر و کوچکتر وجود دارد.

پیشنهاد کاربردی: صاحب روشن شناختی

خودتان باشید

بیشتر مؤسسه ها روش شناختی حسابرسی شان را بر مبنای مجموعه ای از دستور عمل های استاندارد شده بنا نهاده اند. این فرمها و چک لیستها به حسابرسان در انطباق با الزام های استانداردها کمک می کنند؛ اما آنها نباید خودشان را با استانداردها گیج کنند. حسابرس می تواند استانداردها را رعایت و مستندهای حسابرسی را از راه های زیادی آماده کند.


فرمها و رهنمود تنها درصدی از الزامها را پوشش می دهند (امید است که این درصد بالا باشد) و نباید جایگزینی برای آموزش یا درک یا مشورت درباره ادبیات موقعیتهای غیر معمول قلمداد شود. حسابرس نیاز دارد از فرمها خارج شود (به احتمال زیاد بیش از آنچه تمایل دارد) تا بتواند با اصول پذیرفته شده حسابرسی (GAAS) انطباق پیدا کند.

امروزه تعداد فزاینده ای از مؤسسه های حسابرسی از طریق تهیه فرمها و چک لیستها

کند. استقرار و به‌کارگیری این استاندارد در عمل ثابت کرده که چالشی برای بسیاری از مؤسسه‌ها است.

• کلید استقرار الزام‌های ارزشیابی کنترل داخلی، «فرایند کوزو» است. حسابرس از بالاترین سطح تجمیع اطلاعات یعنی صورتهای مالی شروع می‌کند، سپس از طریق سلسله‌ای از تجزیه و تحلیل‌ها که به‌صورتی فزاینده ریز می‌شود، کار را دنبال و در نهایت فعالیت‌های کنترلی انفرادی را ارزیابی می‌کند.

• حسابرسان تلاش کرده‌اند تا ماهیت و میزان روشهایی را که باید به‌صورت پیوسته انجام دهند، تعیین کنند. به‌جای توجه به نحوه به‌روزرسانی حسابرسی سال قبل، شناسایی تغییرهای شناسایی سازمان را به‌عنوان اولویت اول قرار دهید.

• دامنه گسترده استانداردهای ارزیابی ریسک، بهینه‌سازی فعالیت استقرار استانداردها از طریق تهیه سیاستها و دستورعملها را برای مؤسسه دشوار ساخت. تمایل بر این است که مؤسسه‌ها از سیاستها و دستورعملهای تهیه‌شده به‌وسیله دیگران استفاده کنند؛ اما مؤسسه‌ها می‌توانند با تهیه رویکرد خاص و متعلق به خود، دانش عمیقتری از استانداردها و کسب‌وکار صاحبکاران خود به‌دست آورند که به آنها کمک می‌کند به‌طور واقعی فرایندهای خود را بهینه‌سازی و کیفیت ایجاد کنند. 

منبع:

Ramos M., **Risk-Based Audit Best Practices**, Journal of Accountancy, November 30, 2009

در مورد صاحبکار و محیط آن،
• ارزیابی خطرهای تحریف بااهمیت،
• ماهیت و میزان مستندهای حسابرس از خطرهای برآوردی،
• ماهیت و اندازه (میزان) مستندهای کنترل داخلی صاحبکار،
• انتخاب روشهای حسابرسی بیشتر که به وضوح با ریسکهای برآوردی مرتبط است، و
• تخصیص منابع حسابرسی به حوزه‌هایی از حسابرسی که بیشترین ریسک را نشان می‌دهد.

مشارکت درخور توجه باتجربه‌ترین حسابرسان در آغاز فرایند حسابرسی ممکن است کیفیت حسابرسی و کارایی آن را بهبود بخشد.

روش‌شناسی پشتیبان پیشنهادهای کاربردی
در تابستان سال ۲۰۰۹، انجمن حسابداران رسمی امریکا (AICPA) به‌طور درخور توجهی راهنمای حسابرسی را که در ابتدا به‌صورت همزمان با استانداردهای ارزیابی ریسک منتشر کرده بود، مورد تجدید نظر قرار داد. برای این تجدید نظر، یک گروه همکار با ارتباط خط مستقیم، از بیش از ۵۰ حسابرس که برای شناسایی و بحث در مورد مسائل فنی، ارائه پیشنهادها و مطالب جدید حرفه‌ای کار می‌کردند، شکل گرفت.

مسائل و پیشنهادهایی که در این مقاله توصیف شد، از مطالب کارگروه یادشده دریافت شده است.

خلاصه اجرایی

• حسابرس باید در تمام حسابرسیها طراحی و استقرار کنترلهای داخلی را ارزشیابی کند تا بتواند به‌درستی ریسک را شناسایی و ارزیابی

مؤسسه‌ها می‌توانند

با تهیه

رویکرد خاص و

متعلق به خود

دانش عمیقتری از

استانداردها و

کسب‌وکار

صاحبکاران خود

به‌دست آورند که

به آنها کمک می‌کند

به‌طور واقعی

فرایندهای خود را

بهینه‌سازی و

کیفیت ایجاد کنند